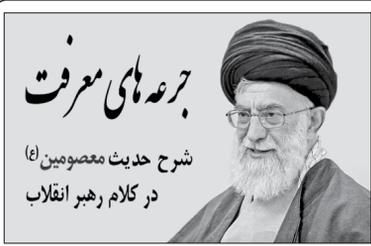


کیمیایان



هرکه علمش پیش از نشنش بیشتر

اقال رسول الله صلی الله علیه و اله-وَأَقَلُّ النَّاسِ قِيَمَةً أَكْثَرُهُمْ عِلْمًا» از زشمندترین مردم کسی است که علم بیشتر داشته باشد[اینجا اهمیت علم را بیان می‌کند؛ البته این به معنای نادیده گرفتن ارزش تقوا و عمل و این چیزها نیست؛ در فرض تسلوی افراد از جهت تقصوا یا از جهت عمل یا از جهات اخلاقی دیگر، آن وقت آن کسی ارزشش بالاتر است که دانش بیشتری دارد. و أَقَلُّ النَّاسِ قِيَمَةً أَكْثَرُهُمْ عِلْمًا ؛ [کم‌ارزش‌ترین مردم کسی است که دانش کمتر داشته باشد]

هیچ بیانی برای ارزشگذاری بر روی دانش به این وضوح و به این روشنی نیست. نظر اسلام این است. جامعه عالم را اسلام می‌پسندد. همت اسلام و احکام اسلامی و نظام اسلامی در هر دوره‌ای بر تربیت عالمان و انسان‌های عالم و دانشمند گماشته شده است.
وَأَقَلُّ النَّاسِ لَذَةً الْخَسُودُ ؛از میان مردم، حسود، در زندگی از همه کمتر لذت می‌برد] از زندگی لذت نمی‌برد – از لذات معمولی زندگی – به خاطر حسد؛ در درون او یک موربانه‌ای وجود دارد که پایه‌های راحت و تمتع او را می‌پوساند و پوک می‌کند و خراب می‌کند؛ تقصیر کسی هم نیست، مربوط به خودش است. باید با حسد در درون خود مبارزه کنیم.
وَأَقَلُّ النَّاسِ رَاحَةً الْبَيْخِيلُ ؛ از میان مردم، بخیل، در زندگی از همه کمتر آسایش دارد] آن کسی که چیزی دارد و بخل می‌ورزد، نسبت به مال خود آنچنان دلبسته است که دائم در حال نگرانی و دغدغه است، نباید کم بشود، مبادا بخورند، مبادا ببرند، مبادا ضایع بشود، دائم، این آسایشی دیگر ندارد.

۱) الامالی شیخ صدوق، ص ۷۳[اقال رسول الله(ص) ؛ … و أَكْثَرُ النَّاسِ قِيَمَةً أَكْثَرُهُمْ عِلْمًا وَأَقَلُّ النَّاسِ قِيَمَةً أَكْثَرُهُمْ عِلْمًا وَأَقَلُّ النَّاسِ لَذَةً الْخَسُودُ وَأَقَلُّ النَّاسِ رَاحَةً الْبَيْخِيلُ. با ارزشترین مردم کسی است که دانشش بیشتر باشد، کم ارزش‌ترین مردم کسی است که علمش اندک باشد، کم لذت‌ترین مردم، حسود است، کم راحت‌ترین مردم، بخیل است.]

•شرح حدیث در ابتدای درس خارج، ۹۴/۲/۱۹

•پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبر معظم انقلاب

در محضر امام خمینی (ره)

تحصیل به جای خود تفریح به جای خود

امام وقتی می‌بینند من روزهای تعطیل مشغول درس هستم می‌گویند: به جایی نمی‌رسی، چون باید موقع تفریح، تفریح کنی. این مسئله را به پسر من جدی می‌گویند. این نقل قول از خود امام است که در حضور من مکرر به پسر من می‌گفتند: «من نه یک ساعت تفریحم را گذاشتم برای درس و نه یک ساعت وقت درسم را برای تفریح گذاشتم؛ یعنی هر وقت را برای چیز خاصی قرار می‌دادم و به پسرم من این نصیحت را می‌کردند که تفریح داشته باش. اگر تفریح نداشته باشی نمی‌توانی خودت را برای تحصیل آماده کنی.»

• زهرا مصطفوی، برداشت‌هایی از سیره امام‌خمینی(ره)، ج ۱، ص ۶۰

استفتاء

از رهبر معظم انقلاب اسلامی

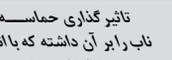
تکیه بر عصا در نماز

س: اگر کسی پایش شکسته باشد و بخواهد بایستد و نماز بخواند باید به عصا تکیه کند اشکال دارد؟
ج: در فرض مذکور اگر با تکیه به عصا ایستاده نماز بخواند نمازش صحیح است.

کتاب و میزان؛ دو همراه جدایی ناپذیر

خداوند در آیه ۲۵ سوره حدید می‌فرماید: لَقَدْ أَرْسَلْنَا رَسُلًا بِاللِّسَانِ وَأَرْسَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَرْسَلْنَا الْخَدِيذَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَيُلِيمُ اللَّهُ الْمَن تَبَخَّرَهُ وَرُسُلَهُ بِالْقِسْطِ إِنَّهُ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ؛ به راستی ما پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند، و آهن را که در آن برای مردم خطری سخت و سودهایی است، پدید آوردیم، تا خدا معلوم بدارد چه کسی در نهبان، او و پیامبرانش را یاری می‌کند. آری، خدا نیرومند و شکست‌ناپذیر است؛ پس این آیه به صراحت از جدایی‌ناپذیری کتاب و میزان سخن گفته شده است. درباره اینکه مراد از میزان چیست می‌توان دو قول را مطرح کرد:
۱. مراد از میزان همان نبوت و وحی و عصمت و سیره و سبّت هر پیامبری باشد. در این صورت میزان بیان جزء پس از کل و استیلا و اهتمام به آن خواهد بود؛ ۲. مراد و مقصود از میزان همان انسان کاملی است که به عنوان اسوه حسنه معرفی شده تا به عنوان معیار سنجش حق و باطل و درست و نادرست به آن مراجعه شود.

به نظر می‌رسد که مراد و منظور همین اخیر باشد؛ زیرا ادله تفسیری از سوی پیامبری که خود مفسر و مبین قرآن است، دلالت می‌کند که مقصود، انسان کامل و معصوم (ع) است که معیار قرار می‌گیرد و به عنوان ترازو و میزان اعمال به کار می‌رود. بنابراین، نمی‌توان گفت: حسنیا کتاب الله، کتاب خدا برای ما کافی و بس است؛ زیرا میزان و ترازوی صحت فکرم و عقیده و عمل، همان انسان معصوم است که خداوند به عنوان میزان قرارداده است.
پس این معنا که خداوند تنها کتاب الله از جمله تورات و انجیل و قرآن را نفرستاده است، بلکه به همراه آن انسان معصومی را نیز قرارداده تا آن، عمل سنجیده و داوری شود. از همین رو ابودر از قول قول پیامبر(ص) نقل می‌کند: شنیدم هنگامی که پیامبر در حالت احتضار بود می‌گفت: من براستی انسان شما دو نقل و بار سنگین کتاب الله و عترت خود اهل‌بیتم را گذاشتم؛ پس آن دو هرگز تا



تائیر گذاری حماسه کربلا در طول تاریخ بر جریان‌ها و حرکت‌های عدالت‌طلبانه و عدالت‌طلبانه که با انواع روش‌های تخریبی همچون تحریف، بدعت، طرح شبهات، جاه‌جویی ارزش‌ها و الگوها، وهن شعاثر دینی و تبلیغات منفی و… کارآیی و کار کرد واقعی این حماسه عظیم را از بین برده و با مسخ فرهنگ عاشورا، ناکار آمدی آن را به مخاطبین خود القا نمآید.

نوشتار حاضر در مقام تبیین تحریف‌شناسی فرهنگ عاشورا با تاکید بر دیدگاه‌های استاد شهید مر تفضی مطهری می‌باشد، که اینتک تقدیم خوانندگان محترم می‌گردد.

لزوم مبارزه مسلحان دینی با تحریفات عاشورا

یکی از وظایف بزرگ مسلحان دینی مبارزه با افتضا و انحرافات معنوی و تاریخی حادثه عاشورا است، چراکه بدون تخریب با انحراف در این جریان دینی، حادثه عاشورا تحول‌سازی و عبرت‌ناگیز نبود خود را از دست داده و تنها به عنوان جزئی از تاریخی که گذشته، محسوب می‌شود؛ درحالی‌که مهمترین هدف عاشورا اصلاح دینی در طول تاریخ اسلام است. همان‌گونه که امام حسین(ع) از آغاز حرکت خویش از مدینه تا روز حماسه عاشورا، همواره به افتضا و صدماتی که به دین وارد شده، اشاره کرده و هدف از قیام خود را اصلاح این آسیبها معرفی نموده است. امام حسین (ع) هنگام حرکت از مدینه به سوی مکه وصیتنامه‌ای نوشت و به برادرش محمد حنفیه تحویل داد، در این وصیتنامه پس از بیان عقیده خویش درباره توحید و نبوت و معاد، هدف خود را از هجرت و جهاد چنین بیان نمود:«إِنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَ لَا بَطْرًا وَ لَا مَفْسِدًا وَ لَا ظَالِمًا وَ إِنَّمَا خَرَجْتُ لَطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أَمَةِ جَدِي (ص) (زیردان آمر بالمعروف و انهی عن المنکر و آسیرزسیره جدی و ایی علی بن ابیطالب)»^[۱]

من نه از روی خودخواهی و یا برای خوشگذرانی و نه برای فساد و ستمگری از مدینه خراج می‌گرم، بلکه هدف من از این سفر، امر به معروف و نهی از منکر و خواسته‌ام از این حرکت، اصلاح مفاسد امت و احیا و زنده کردن سنت و قانون

یکی از وظایف بزرگ

مصلحان دینی مبارزه با افتها و انحرافات معنوی و تاریخی حادثه عاشورا است، چراکه بدون تردید با انحراف در این جریان دینی، حادثه عاشورا تحول‌سازی و عبرت‌انگیز بودن خود را از دست داده و تنها به عنوان جزئی از تاریخی که گذشته، محسوب می‌شود؛ درحالی‌که مهمترین هدف عاشورا اصلاح دینی در طول تاریخ اسلام است.

جدم رسول خدا و راه و رسم پدرم علی بن ابی‌طالب است.

قصد من از خروج، فقط اصلاح امت جدم است، می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به سیره جدم و پدرم حضرت امیرالمؤمنین عمل کنم. می‌تردید قیام عاشورا یک انقلاب دینی رزمی‌ای قرآن وسنت نبوی وسیره علوی بود. برای اصلاح جامعه و درمان آسیب‌هایی که بعد از رسول(کردم) تا آن زمان به مرور زمان تحمیل گشته بود.

چراکه پیامبراکرم فرمود: «إذا ظهرت البدع فی امتی فلیظفر العالم علمه والا فقلبه لعنة الله»^[۲]

آنجا که بدعت‌ها ظاهر می‌شود، که در دین نیست، برعهده دانیان است که حقایق را بگویندان کسی که کتمان می‌کند، لعنت خدا بر او باد. عاشورا به عنوان یک رخداد تاریخی برده از زندگی اجتماعی نیست و یایک رابطه صفا فردی میان عاشق و معشوق لقمداد نمی‌شود. در مکتب معرفی اسلام ناب محمدی(ص) میان دین و دنیا، عقل و عرفان، فیزیک و متافیزیک رابطه ناگسستگی و منظم حکم فرماتست. برای درک درست و منطقی واقعه عاشورا پیوسته می‌بایست به مفاهیم اهداف و انگیزهها، ارزشها باورها، شیوههای عمل روحیات و اخلاقیات والا در نهضت کربلا که در سیره عملی وخطبه‌ها وکلمات حضرت سیدالشهدا(ع) و اصحاب و خانواده آن حضرت تبلیور یافته است. به‌عنوان مرفصل‌های کتاب زندگی مبتنی برمعرفت عقل و عشق عزت و شرافت و… اندیشید.

عاشورا به عنوان یک رخداد تاریخی برده از زندگی اجتماعی نیست و یایک رابطه صفا فردی میان عاشق و معشوق لقمداد نمی‌شود. در مکتب معرفی اسلام ناب محمدی(ص) میان دین و دنیا، عقل و عرفان، عقل و عشق، اقامه نماز و نفی شرک، عدالت و آزادی‌خواهی، هجرت و حریت، جهاد و شهادت، صبر و توکل، امامت و ولایت، مبارزه با فساد، اهداف و انگیزهها، ارزشها باورها، شیوههای عمل روحیات و اخلاقیات و برای تلاش در راه اقامه عدل و قسط است؛ زیرا بدون حیات اجتماعی مبتنی بر عدل همه معیارها و ارزش‌ها قاعدتاً و اساسی زندگی نمی‌دهد. پیام عاشورا دعوت از انسان‌ها برای تلاش در راه اقامه عدل و قسط است؛ زیرا بدون حیات اجتماعی مبتنی بر عدل همه معیارها و ارزش‌ها قاعدتاً و مفهوم شده و زمینه انحراف از دستوره‌ای دینی و آیین الهی فراهم می‌آید.

تهدیدات دشمنان

پیشگامان مبارزه با تحریفات عاشورا

- ۱- نشر فرهنگ تحریفات و بدعت‌ها و شبهات.
- ۲- تحریف فرهنگ حماسه عاشورا.
- ۳- جاه‌جویی فرهنگ الگوها.
- ۴- وهن شعاثر دینی.
- ۵- تبلیغات منفی و لقاۀ شبهات دشمنان در ناکارآمد جلوه دادن فرهنگ عاشورا.

در میان پیشگامان مبارزه با تحریفات عاشورا بزرگانی نظیر ابی مخنف، شیخ طوسی، سیدبن طاووس و محمدباقر مجلسی آثار گرانقدری بر جای گذاشته‌اند. که در روشنگری واقعه عاشورا، بعد از تحریف‌های بسیاری که صورت گرفته بود، بسیار

معارف

Maaref@Kayhan.ir

تائیر گذاری حماسه کربلا در طول تاریخ بر جریان‌ها و حرکت‌های عدالت‌طلبانه و عدالت‌طلبانه که با انواع روش‌های تخریبی همچون تحریف، بدعت، طرح شبهات، جاه‌جویی اب بود که از شریعه آب بردار)‌نه اینکه از مردم طلب آب می‌کرد. عظمت عابدالله دیده دیگری است. او چیز است، ما چیز دیگری. شاعرهایی که در سینه‌نثری‌ها و نوحه‌سرای‌ها می‌دهید، شاعرهای حسینی‌باشد. نوحه، سیارسیار خوب است.

مؤثر بود؛ اما در تمامی این آثار، بُعد روایی و تاریخی و مدنظر نظر بوده است؛ با وجود این درحد سال پیش، دو تن از عالمان بزرگ شیعه ضرورت اصلاح روضه‌خوانی و عزاداری از خرافات و تحریفات و بدعت‌ها را مطرح نمودند، که عبارتند از: میرزا حسین نوری طبرسی، صاحب کتاب مستدرک‌السوایل، در سال ۱۳۹۱ قمری، با تالیف کتاب لولو و مرجان در شرط پله اول و دوم منبر روضه خوانان، عهدهدار پاکسازی روضه‌خوانی شند و «خلاص» و «صدق» را پله اول و دوم روضه‌خوانی خواند و پرده از چهره ریا و دروغ برداشت همچنین علامه سید محسن امین علمای، صاحب کتاب اعیان الشیعه، در سال ۱۳۴۶ با تالیف کتاب التزیه فی اعمال الشیبه. عهدهدار پاکسازی عزاداری شد و قه‌م‌زنی و شبیه‌خوانی را تحریم کرد.

التزیه، به لحاظ خرافه‌زدایی، مانند کتاب لولو و مرجان است. همان گونه که میرزاحسین نوری در لولو و مرجان عهدهدار خرافه‌زدایی از روضه‌خوانی و پاکسازی آن شده است با این تفاوت که اولاً فضل تقدم در خرافه‌زدایی از آن نویسنده لولو لمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَ لَا بَطْرًا وَ لَا مَفْسِدًا وَ لَا ظَالِمًا وَ إِنَّمَا خَرَجْتُ لَطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أَمَةِ جَدِي (ص) (زیردان آمر بالمعروف و انهی عن المنکر و آسیرزسیره جدی و ایی علی بن ابیطالب)»^[۱]

من نه از روی خودخواهی و یا برای خوشگذرانی و نه برای فساد و ستمگری

از مدینه خراج می‌گرم، بلکه هدف من از این سفر، امر به معروف و نهی از منکر

و خواسته‌ام از این حرکت، اصلاح مفاسد امت و احیا و زنده کردن سنت و قانون



هدایت می‌نمایند.

شهید مطهری بیشترین ازتباط را با مرحوم محدث نوری دارد و بیشترین بهره‌گیری را نیز از کتاب لولو و مرجان ایشان می‌نماید. البته نگرش محدث نوری کمالاً درون دینی بوده است، در حالی که نگرش شهید مطهری تلفیق دو سطح درون دینی و بیرون دینی است.

مرحوم محدث نوری، بیشتر به تحریفات لفظی پرداخته است، در حالی که شهید مطهری، علاوهبر تحریفات لفظی به تحریفات معنوی نیز به طور جدی توجه می‌نماید. همچنین ایشان بسیار جامع‌تر از مرحوم سید محسن امین «التزیه لاعمال الشیبه» را نگاشته است و در آن به آسیب‌های روشی توجه نشان داده وبه مباحث تحریف‌شناسی پرداخته است.

استاد شهید در آسیب شناسی و تحریفات عاشورا دو نوع تحریف لفظی و معنوی را برمی‌شمارد و تحریف معنوی را خطرناک‌تر از تحریف لفظی معرفی می‌کند.وسپس به ذکر مصادیق تحریفات و آسیب‌های لفظی از کتاب لولو و مرجان محدث نوری می‌پردازد و عوامل تحریف، به خصوص تحریف لفظی را اغراض دشمنان، حس

درد سال پیش، دو تن از عالمان بزرگ شیعه ضرورت اصلاح روضه‌خوانی و خرافات و تحریفات و بدعت‌ها را مطرح نمودند، که عبارتند از: میرزا حسین نوری طبرسی، صاحب کتاب مستدرک‌السوایل، در سال ۱۳۹۱ قمری، با تالیف کتاب لولو و مرجان در شرط پله اول و دوم منبر روضه خوانان، عهدهدار پاکسازی روضه‌خوانی شند و «خلاص» و «صدق» را پله اول و دوم روضه‌خوانی خواند و پرده از چهره ریا و دروغ برداشت همچنین علامه سید محسن امین علمای، صاحب کتاب اعیان الشیعه، در سال ۱۳۴۶ با تالیف کتاب التزیه فی اعمال الشیبه عهدهدار پاکسازی عزاداری شد و شبیه‌خوانی را تحریم کرد.

اسطوره سازی و علت تراشی‌های تحرافی برای تاکید معصومین به سوگواری امام حسین(ع) عنوان می‌نماید و مقاتل روضهٔ الشهدای ملاحسین شاکشی و اسرارالشهداۀ ملافا دربندی را در نمونه از کتاب‌های تحریف‌زا معرفی می‌کند.

مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای طی سال‌های اخیر به‌طور جامع و مبسوط در بیانات خود به تحلیل موضوع تحریفات و بدعت‌های عاشورا و ضرورت پرمیز از شبهات و بدعت‌ها و تحریفات پرداخته اند، که درسال های اخیر دفتر نشر فرهنگ اسلامی تحت عنوان «سپس مبارک کاشع عاشورا مروری بر نهضت خوئین محرم» مجموعه بیانات و رهنمودهای مقام معظم رهبری را در این خصوص به چاپ رسانده است.

در لغت‌نامه‌های فارسی ذیل واژه تحریف این معانی آمده است: تغییر دادن، تبدیل کردن، وارونه ساختن، جاه‌طلب نمودن، کم و زیاد کردن، از حالت اصلی فرآوردن و به طرز و وضع دیگر نااختن، کژ ساختن، قلب کردن و…^[۳]

و در مفردات لغات عرب ذیل واژه تعریف این اصطلاح آمده است. تحریف کلام، آن است که آن را در گوشه‌ای از احتمال قرار بدهی آنچنان که بتوان بیش از یک معنرا به آن بار نمود^[۴]

«تحریف در یک حادثه تاریخی که این حادثه از نظر اجتماع یک سند است، سند اجتماعی است، پشتوانه اخلاقی است، پشتوانه تربیت است، این دیگر چقدر اهمیت دارد! وای به حال تحریفات، چه تعریف لفظی و چه تعریف معنوی، در موضوعاتی عامه بگیرد که آن موضوعات موضوع عدای نیست.

حال بحث این است که در نقل و باارگو کردن حادثه عاشورا ما هزاران تحریف وارد کردیم، هم تحریف‌های لفظی- یعنی شکلی و ظاهری- رایج به اصل قضایا، مقدمتا قضایا، متن و حواشی مطلب و هم در تفسیر این حادثه ما تحریف کرده ایم. کم‌کم تاسف این حادثه، هم دچار تحریف‌های لفظی است و هم دچار تحریف‌های معنوی.»^[۵]

انواع تحریف و مصادیق آن

تحریف ابوابی دارد و از همه مهمتر این استس که تحریف با لفظی است و یا معنوی

نمونه‌هایی ازتحریف لفظی:

عددای مطرح می‌نمایند که امام حسین(ع) روز عاشورا از لشکر این سعد جرم‌های آب خواسته است اما این مطلب با ماهیت قیام و شخصیت غیور و الهی حضرت سیدالشهدا(ع) سازگاری ندارد، که به نظر می‌آید از تسامح و عدم تأمل ناشی شده است وگرنه اگر اندکی دقت می‌کردند، هیچ‌گاه این‌اشتباه لذتبار رخ نمی‌داد. زیرا در متن معتبر مانند لیهف سیدبن طاووس عبارت«طلب الماء» آمده است؛ یعنی «آب می‌جست» در حین مبارزه در میدان به سوی فرات، اسب می‌راند تا ابی به بچه‌های تشنه در خیمه برساند.

اما اشتباه از آنجا ناشی شده است که «طلب الماء» (آب می‌جست) با«یسأل الماء» (آب می‌خواست) اشتباه شده است و حاصل این تحریف هم که چیزی جز توهین به حضرت امام حسین(ع) و ذلیل جلوه دادن آن حضرت نمی‌توانست باشد، زیرا که این مطلب با حماسه حسینی و عزت نفس و ماهیت قیام آن حضرت کمالاً در تقابل است؛ براساتی که جای شگفتی است.

«مسئله تشنگی اب‌عبدالله و خاندان و اصحابشان مسئله شوخی‌ای نیست. هوا بسیار گرم است (مشاورای آن وقت ظاهراً در اواخر خرداد بوده؛ هوای عراق زمستانس گرم است، چه رسد به نزدیک تابستان آن، سه روز است که آب بر روی اهل بیت پیغمبر بسته‌اند، گو اینکه در شب عاشورا توانستند مقداری آب به خیمه بیاورند که در صورت فرود؛ آب را بنوشید و این آخرین توشه شما خواهد بود.

«حلول بینه و بین السمهء المطنش » این قدر تشنگی اباعبدالله زیاد بود که وقتی به آسمان نگاه می‌کرد بالای سرش را درست نمی‌دید. اینها شوخی نیست، ولی هم چه در چه در «مقاتل » گشته (آن مقداری که می‌توانستم بگردم) تا این جمله معروفی را که می‌گویند اباعبدالله به مردم گفت: «أسقونی شربًّیةً من الماء » « که جرعه آب به من بدهید! بیهمن، ندیدم. حسین کسی نبود که از آن مردم

چیزی طلب کند. فقط یک چا دارد که حضرت در حالی که داشت حمله می‌کرد «هُوَ یَطْلُبُ الماءَ ». قرآن نشان می‌دهد که مقصود این است: در حالی که داشت به طرف شریعه می‌رفت (در جست‌وجوی آب بود که از شریعه آب بردار)‌نه اینکه از مردم طلب آب می‌کرد.

عظمت عابدالله دیده دیگری است. او چیز است، ما چیز دیگری. شاعرهایی که در سینه‌نثری‌ها و نوحه‌سرای‌ها می‌دهید، شاعرهای حسینی‌باشد. نوحه، سیارسیار خوب است.

شعارهای حسینی شاعرهایی است که از این ترتیب باشد؛ فریاد می‌کند. «لا تروُنْ اَنْ الحَقَّ لا یعملُ بِهٖ وَ اَنْ الباطلَ لا یُثابهُ عُنهُ؟ لِیَرْغِبَ الْمُؤْمِنُ فِی لِقَاءِهَا مُحَقًّا» مردم ! نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌شود و کسی از باطل رویدگردد نیست؟ در چنین شرایطی، مؤمن (نگفت حسین یا امام) باید لقاۀ پروردگارش را بر چنین زندگی‌ای ترجیح دهد، ویا:

«لا أَرَى المَوْتَ اِلَّا سَعَادَةً وَالحَیوةَ معَ الظَّالِمِینَ اِلَّا بَرَمًا»

(هر جمله‌اش سزاوار است که با آب طلا نوشته شود و در همه دنیا پخش گردد و این باز هم کم است) من مرگ را جز خوشبختی نمی‌بینم، من زندگی با مستکبران را جز ملامت و خستگی نمی‌بینم.»^[۶]

جعل داستان عروسی حضرت قاسم در روز عاشورا، داستان عروسی قاسم (ع)

شناخت تحریف

علیرضا مزروعی

در میان پیشگامان مبارزه با تحریفات عاشورا بزرگانی نظیر ابی مخنف، شیخ طوسی، سیدبن طاووس و محمدباقر مجلسی آثار گرانقدری بر جای گذاشته‌اند که در روشنگری واقعه عاشورا، بعد از تحریف‌های بسیاری که صورت گرفته بود، بسیار مؤثر بود.

برای نخستین بار در روضهٔ الشهدای کاشفی آمده است^[۱] و منتخب طریحی ^[۲]

اینکه شهادت امام حسین(ع) را کفره گناهان امت و دوست دارن عترت و هدف از قیام را، تنها آموزش و شفاعت گناهکارانی که ولایت و محبت آن حضرت را دارند. «من نمی‌دانم کدام جانی با جانی‌هایی جنایت را به شکل دیگری برحسین بسن علی وارد کردند و آنانی که هدف حسین بن علی را مسرود تحریف قراردادند و همان چرندی را که عهدشان کم‌ها در مورد مسیح گفتند دربار حسین گفتند که حسین کشته شد برای آنکه بار گناه امت را به دوش بگیرد، برای این که ما گناه بکنیم و خیالمان راحت باشد، حسین کشته شد برای اینکه گناهکار تا آن زمان کم بود، بیشتر بشود…»^[۳]

را برمی‌شمارد و تحریف معنوی را خطرناک‌تر از تحریف لفظی معرفی می‌کند.وسپس به ذکر مصادیق تحریفات و آسیب‌های لفظی از کتاب لولو و مرجان محدث نوری می‌پردازد و عوامل تحریف، به خصوص تحریف لفظی را اغراض دشمنان، حس «مسببیت بر این باور بود که همانطور که مردم در آسیب وضعی گناه شرکت

درد سال پیش، دو تن از عالمان بزرگ شیعه ضرورت اصلاح روضه‌خوانی و خرافات و تحریفات و بدعت‌ها را مطرح نمودند، که عبارتند از: میرزا حسین نوری طبرسی، صاحب کتاب مستدرک‌السوایل، در سال ۱۳۹۱ قمری، با تالیف کتاب لولو و مرجان در شرط پله اول و دوم منبر روضه خوانان، عهدهدار پاکسازی روضه‌خوانی شند و «خلاص» و «صدق» را پله اول و دوم روضه‌خوانی خواند و پرده از چهره ریا و دروغ برداشت همچنین علامه سید محسن امین علمای، صاحب کتاب اعیان الشیعه، در سال ۱۳۴۶ با تالیف کتاب التزیه فی اعمال الشیبه عهدهدار پاکسازی عزاداری شد و شبیه‌خوانی را تحریم کرد.

دارند، یک نماینده از بشربت می‌تواند کفره این گناه باشد… و عیسی کفره آن آسیب را یک بار و برای همیشه محقق ساخت.»^[۴]

شهید مطهری با اشاره به این تفاسیر، به نقد آن می‌پردازد می‌گوید: «شهادت آن حضرت به عنوان کفره گناهان امت واقع شدا امام حسین(ع)شهید شد که اثر گناهان را در قیامت خنثی کند و به مردم از این جهت آزادی بدهد. در حقیقت مقابل این عقیده، باید گفت: امام حسین(ع)داید که بزیدها و ابن زیاد و شمرو سنان‌ها هستند، اما عهدشان کم‌ها است؛ خواست کاری بکنند که بر عده این‌ها افزوده شود.» «ابعدالله که برای مبارزه با گناه کردن قیام کرد، ما گفتیم قیام کرد تا سنگری برای گنهکاران این باشد. گفتیم حسین(ع)یک شرکت بیمه تأسیس کرد، بیمه چه؟ بیمه گناه! ایهاالتاس! هرچه می‌توانید بد بایشد من بیمه شما هستم.»^[۵]

دومین تحریف معنوی‌ای که شهید مطهری به تبیین آن می‌پردازد، این است که نهضت حسینی، نهضتی است که به امام حسین(ع)اختصاص یافته است. استاد شهید، نتیجه چنین فلسفه‌ای را غیرقابل پیروی بودن نهضت می‌داند. شهید این

استاد شهید در آسیب شناسی و تحریفات عاشورا دو نوع تحریف لفظی و معنوی را برمی‌شمارد و تحریف معنوی را خطرناک‌تر از تحریف لفظی معرفی می‌کند و سپس به ذکر مصادیق تحریفات و آسیب‌های لفظی از کتاب لولو و مرجان محدث نوری می‌پردازد و عوامل تحریف، به خصوص تحریف لفظی را اغراض دشمنان، حس اسطوره‌سازی و علت تراشی‌های تحرافی برای تاکید معصومین

به سوگواری امام حسین(ع) عنوان می‌نماید و مقاتل روضهٔ الشهدای ملاحسین شاکشی و اسرارالشهداۀ ملافا دربندی را دو نمونه از کتاب‌های تحریف‌زا معرفی می‌کند.

سخن را با کلام خود امام حسین(ع) معنای می‌داند که آن حضرت نقل قیام را به اصول کلی اسلام مطوف نموده است، نه یک دستور خصوصی. ایشان می‌نویسد: «امام حسین(ع) مکتب به وجود آورد، ولی مکتب عملی اسلامی، مکتب او همان مکتب اسلام است. ولی اسلام بیان کرد و حسین عمل کرد. در درجه اول پیش از هر کس دیگر عمل کرد، هم‌راهه آن را تحریف کردیم. برای اینکه این حادثه را از مکتب بودن خارج کنیم و قهراً از قایل پیروی بودن خارج کنیم. وقتی از مکتب خارج شد، دیگر قایل پیروی کردن نیست. وقتی قایل پیروی نشد، پس دیگر از حادثه کربلا، نمی‌شود استفاده کرد. از اینجا ما حادثه را از نظر داشتن اثر مفید عمیق کردیم.»^[۶]

تکنه قابل توجه این که تاریخ عاشورا بیش از هر موضوع دیگر، دارای منابع معتبر و قایل استناد است و نویسنه‌سرایان متعهد و آگاه اصولاً نیازی به استفاده ازمنابع غیرقابل استناد ندارند. به گفته شهید مطهری:

اگر کسی تاریخ عاشورا را بخواند می‌بیند از زنده‌ترین و مستندترین و از پرمعن‌ترین تاریخ‌هاست. مرحوم اخوند خراسانی فرموده بود آنها که به دنبال روضه نشنیده می‌روند، بروند روضه‌های راست را ببینند که آنها را احدی نشنیده است.^[۷]

برخورد تاریخ‌نگاران عثمانی و اموی

با قیام امام حسین(ع)

«تحریف‌های مورخان را نیز نباید نادیده انگاشت. از جمله این افراد می‌توان

صفحه ۶

شنبه ۴ مهر ۱۳۹۶

۵ محرم ۱۴۳۹ – شماره ۲۱۷۳۲

به این کثیر، قاضی ابوبکر و ابن‌تیمه اشاره کرد که نوع بیان و واقعه در آثارشان از کینه‌توزی خالی نیست. در ادامه، افراد بزرگی چون ابن‌خلدون نیز در این باره بحث کرده‌اند. نوع نگاه ابن‌خلدون به مقوله کلی تاریخ، نگاهی عقلانی است؛ اما در خصوص واقعه عاشورا، فلسفه‌وی فلسفه غلبه و قدرت است که می‌گوید: «الحق مع غلب کلان من کان». حق با کسی است که غالب شود؛ هر کسی که می‌خواهد باشد.»^[۱]

همچنین از سبوی تاریخ‌نگاران عثمانی و اموی نیز تحریفاتی در متن و هدف نهضت عاشورا اتفاق افتاد که نمونه‌هایی از آن را در مکتب تاریخ‌نگاری در شام و ایران و برخی دیگر از تاریخ‌نگاران مشاهده می‌کنیم.

در خواست ملاقات و بیعت امام حسین(ع) با یزید است که در مکتابه عمر بن سعد با عبیدالله بن زیاد به نقل از امام(ع) آورده شده و در تاریخ دمشق ابن‌عساکر و در کتاب‌هایی چون تاریخ ابن‌کثیر، ذهبی و دیدگران گزارش شده است. در حالی که هم به لحاظ عقلی و هم تاریخی قابل خدشه است. تلاش برای تبرئه یزید از قتل امام حسین(ع) و مقصر جلوه دادن عبیداللهبن زیاد به تنهایی است، به طوری که از گریه یزید بر امام حسین(ع)، نفرین و لعن ابن‌یزاد، مهربانی او با اسیران و اظهار ناخشنودی زود است که کشته شدن امام حسین(ع) سخن گفته‌اند. البته این سخنان نیز به دلایل تاریخی معتبر دیگری که خود این گروه نیز نقل کرده‌اند، از نظر عقل و نقل قابل خدشه است.

شناخت تحریف

در نظام معرفتی عاشورا

تحریف مهم دیگری که از سبوی ابن‌خلدون و پوشش تحلیل تاریخی صورت گرفته و باید آن را تحریف معنوی به شمار آورد آن است که عدم موفقیت‌سنجی و حرکت شکست‌خورده رایه امام نسبت می‌دهد و در واقع، روح و هدف قیام آن حضرت را به چالش می‌کشد.

امام حسین (ع) مظهر عزت الهی و عاشورا جلوه‌گاه حماسه و عزت حسینی و شاعر دشمن شکن «هیبت منّا الذّله » میراث گران‌بهای اوست، در منابع معتبر گزارش شده که آن حضرت ضمن یک سخنرانی حماسی در روز عاشورا خطاب به سپاه دشمن فرمود:

هان! خوانده شده، پسر خوانده شده، مرا میان دو چیز قرار داده است: شمشیر و خوری؛ خوری از ما دور است و خداوند، آن را برای ما نمی‌پذیرد و نیز پیامبرش ومؤمنان و دامن‌هایی پاک و پاکیزه و جان‌هایی غیرتمند و خوددار که اطاعت از لیمتان را بر مرگی کریمانه مقدم نمی‌دارند.^[۲]

وهن شعاثر دینی

گزارش‌های لذت‌بار به وسیله برخی تاریخ‌نویسان و مقتل‌نگاران و ازسبوی ساختن نقل قول‌ها و حکایات و روایاتی برای افزودن بر عظمت قیام عاشورا، غلوّ بالاتر بردن اهلیت‌ب ازجایگاه واقعی آنها استس که متأسفانه، هر دو اقت در برخی

مجالس مرتبیسرای مشاهده می‌شود.

شیخ صدوق روایتی را از امام رضا (ع) نقل کرده که دلالت دارد بر این که غلوّ یک توطئه حساب شده دشمنان اهل بیت برای بدبین کردن مردم به آنان و منزوی کردن خاندان رسالت بوده است، متن سخن امام این است:

إِنَّ مَعْصِيَةَ اَللّٰهِ وَرَوْضَةَ اَخِيَارِ اَفِي فُضَالِنَا وَجَنَلُوها عَلٰی ثَلَاثَةِ اَقْسَامٍ: اَحَدُهَا اَلْعُلُوّ، وَالثَّانِيَةُ التَّقْصِيْرُ فِيْ اَمْرِنَا، وَالثَّلَاثِيَةُ الصَّرِيْحُ بِمُتَابِلِ اَعْدَائِنَا، فَاِذَا